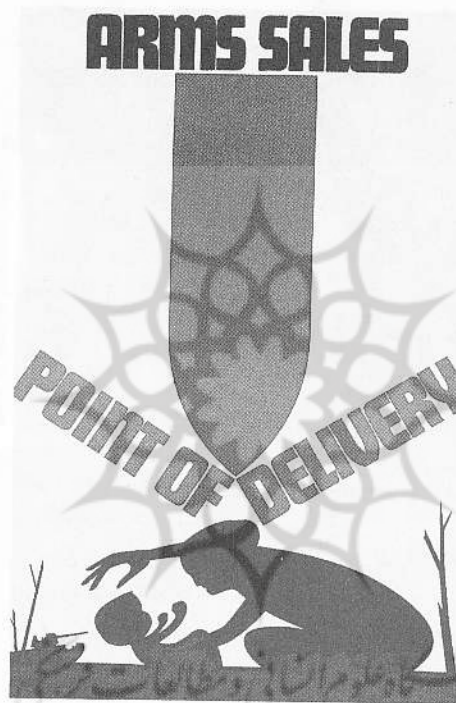


# ۲- صلح، خلع سلاح و تکنولوژی

نوشته لوئیس اچوریا



Poster © Friends of Peace and International Relations Committee, London

از دیدگاه ما، صلح صورتی است از خرد و مذاکره که به فعلیت در آمده باشد، و دقیقاً از همین رو شناخت این واقعیت که در این زمانه صلح نمی‌تواند صرفاً «قرار رسمی متارکه جنگ» باشد مطلبی اساسی است. از سال ۱۹۴۵ به بعد، هر قرارداد متارکه‌ای، هر موافقتنامه‌ای، هر معاهده‌ای فقط پیش‌درآمد تحرک جدیدی در جهت مسابقه تسلیحاتی بوده و تکوین تکنولوژی نظامی را در عصر اتم سرعت بخشیده است.

این امر بیشتر معلول واقعیتی بنیادین، یعنی تقسیم دنیا به دو قطب مخالف بوده است (گو اینکه این تنها باعث و بانی آن نبوده است). از نظر اقتصادی و نظامی، این قطبها باعث تقسیم دنیا شده‌اند، از این گذشته، مفهوم سیاسی قطبها، با طبقه‌بندیهای ایدئولوژیک آنها، به صورت سدی در مقابل تکامل آراء فلسفی و نیز دستیابی به هر گونه پیشرفت در فرایند ستواری ولی مستقل تأملات فلسفی درآمده است.

از جمله پیامدهای عملی این امر یکی «استثمار» علم است که بیشتر معلول ایدئولوژی قدرت و جدایی اخلاقاً ناپهناج علم از اثرات تاریخی آن است. در عمل این امر به فرقه‌گرایی روش شناسانه‌ای منجر شده که بر مبنای آن علم باید اولویتهای بشری را کنار گذاشته و به خدمت اولویتهای نظامی درآید. این خطای فاحش اخلاقی که هر روز با شواهد آن روبرو می‌شویم به صورت وجه مشخصه علم در زمان ما درآمده است و بر آن است که دسته‌بندی در قطبها امری طبیعی است. عکس العمل اخلاقی دانشمندانی نیز که با مجتمع سیاسی / صنعتی قطع رابطه کرده و موضعشان ما را به امکان وجود آینده‌ای از برای بشریت امیدوار می‌سازد از همین رو است.

بنابراین، واضح است که در این قرن صلح به صورتبندی تازه‌ای از اهداف پیشرفت متکی است. تا زمانی که نتوانیم از هر دوره ترک منازعات ایدئولوژیکی

تعلیق تعارضات را متحقق می‌سازد و به ایجاد جامعه جدیدی مبتنی بر مذاکره، خودآزمایی و آزادی می‌انجامد. تا زمانی که این جنبه صلح زیر پرده‌ای از ابهام قرار داشته باشد، مناقشات محلی و جنگهای فرساینده تاکتیکی و استراتژیکی عاملی تعیین کننده در روابط بین الملل باقی خواهند ماند. به عبارت دیگر، خطر ارتقاء برخوردهای محلی به جنگی کامل عیار و فاجعه‌آمیز به صورت کابوسی بر بالای سر ما خواهد بود.

از این بدتر، در صورت تداوم وضع حاضر، هر نفع صرفاً ملی، هر هدف خودخواهانه و برونمرزی، از دیدگاه ایدئولوژیکی، به مثابه عاملی از سیاست نظامی تلقی خواهد شد. بدین ترتیب، خشونت ساختاری از تروریسم متعصبانه گرفته تا مناقشات محلی یا منطقه‌ای به نحوی روزمره ما را مورد تهدید قرار خواهد داد. این رشته عکس‌العملهای غیرعقلانی چیزی جز انحرافی خشونتبار از اصول همبستگی، عدالت و قانون نیست.

هزینه سالانه تسلیحات تقریباً برابر است با بدهیهای خارجی کشورهای روبه توسعه (حدود ۸۰۰۰۰۰ میلیون دلار) که جمعیت آنها در حال حاضر بالغ بر ۷۵ درصد کل جمعیت دنیاست و تا پایان قرن به ۷۹ درصد خواهد رسید. این امری باور نکردنی است.

از دیدگاهی عقلایی نمی‌توانیم جنبه‌های فلسفی و سیاسی مبارزه برای صلح را از انتخابهای اقتصادی پیشنهاد شده در طرح نظام جدید اقتصاد بین‌المللی مجزا کنیم.

ارتباط متقابل صلح، خلع سلاح و پیشرفت، از هر جهت که بدان بنگریم، اساسی به نظر می‌آید و، چنانچه گهگاه گفته می‌شود، نمی‌توان آن را صرفاً به عنوان انتقال مکانیکی منابعی، که در حال حاضر به تسلیحات اختصاص یافته، به کشورهای روبه توسعه تلقی کرد.

مهمترین معنای خلع سلاح تغییر در اولویتهای

«مهمترین معنای خلع سلاح تغییر در اولویتهای کشورهای است که به طور عمده در مسابقه تسلیحات شرکت دارند. چنین تغییری باید متضمن تغییر شکل مادی و دیالکتیکی، هم از نظر درونی و هم از نظر برونی، در اهدافی باشد که باید به نام همبستگی و اتکاء متقابل برای پیشرفت معاصر منظور گردد.»

برای تغییر وضع موجود در دنیا بهره بریم - به عبارت دیگر، تا وقتی که اصل امحای واقعی خشونت مسلطی را که به صورت ساختاری مقدس در آمده است به کار نبندیم، صلح واقعی وجود نخواهد داشت.

صلح و پیشرفت به عنوان پدیده‌ای واحد بدان معنا نیست که به صورتی تجریدی از قضیه‌ای صرفاً اخلاقی صحبت بداریم یا به هزارتویی ایدئولوژیکی وارد شویم که مفردی ندارد. برعکس، این کار به مثابه طرح مسئله بسیار اساسی سالهای پایانی قرن بیستم است. امروزه صلح فقط متضاد جنگ نیست، بلکه چارچوب سیاسی و فلسفی دسترسی عملی به شکل جدیدی از پیشرفت است که





Photo Emili Schultheiss © Riqpho, Paris

«از سه میلیون تن دانشمند و مهندسی که در ۱۹۸۰ در آزمایشگاه‌های علمی سراسر جهان به کار اشتغال داشتند، تقریباً نیم میلیون به تکوین سیستمهای تسلیحاتی جدید مشغول بودند. در ۱۹۸۱ اعتقاد بر این بود که کسانی که در صف مقدم تکنولوژی فضایی قرار داشتند قادر بودند عملاً هر متر مربع از سرزمین یکدیگر را در مدنظر داشته باشند، ولی مجموع منابع علمی و مهندسی جهان تازه می‌خواست به مطالعه سیستمهای پیچیده محیط‌زیست در جنگلهای باران خیز منطقه استوا — که به سرعت روبه‌ناپودی بود — یا توسعه تهدیدآمیز کویرهای جهان بپردازد.»

(سند منتشره از سوی سازمان ملل متحد، آوریل ۱۹۸۶). عکس زیر درخت کاج ششصدساله‌ای را نشان می‌دهد که برای مردم جمهوری کره نمادی از حفظ و حراست از طبیعت است. از این درخت، که در حدود صد کیلومتری جنوب شرقی سنول واقع است، توسط قفسی حفاظت می‌کنند. افسانه‌ای دایره بر آن است که یکی از شاهان کره در قرن پانزدهم به این درخت عنوان وزیر کابینه داد چرا که هرگاه شاه از نزدیکی آن می‌گذشت به احترام شاخه‌هایش را بالا می‌برد.

خلع سلاح منابع انبوهی را آزاد خواهد کرد تا در امر پیشرفت به کار گرفته شود. عملیات اکتشافی در اقیانوسهای منجمد شمالی و جنوبی می‌تواند از جمله اقدامات مشترک بین‌المللی به منظور بهره‌مند کردن بشریت از آنها باشد.

کشورهایی است که به‌طور عمده در مسابقه تسلیحات شرکت دارند. چنین تغییری باید متضمن تغییر شکل مادی و دیالکتیکی، هم از نظر درونی و هم از نظر بیرونی، در اهدافی باشد که باید به نام همبستگی و اتکاء متقابل برای پیشرفت معاصر منظور گردد.

مسئله اساسی دیگری که وجود دارد انتقال منابع علمی و نظامی به علمی است که هدف آن صلح است. تحقق چنین مطلبی به مثابه بزرگترین انقلاب قرن خواهد بود — جدایی علم از سیاست بازبهای قدرتها و تجدید حیات اخلاقی امر تحقیق با فراهم آوردن این امکان برای علم و عالمان که از جنگال مجتمع نیرومند نظامی — صنعتی، که بر عصر ما تسلط دارد، رهایی یابند.

لونیس اچه وریا از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶ رئیس جمهور مکزیک بود. وی که حقوقدان، روزنامه‌نگار و قبلاً استاد علوم سیاسی در دانشگاه خودمختار ملی مکزیک بوده است، در حال حاضر دبیرکل مرکز مطالعات اقتصادی و اجتماعی جهان سوم در شهر مکزیکو است.

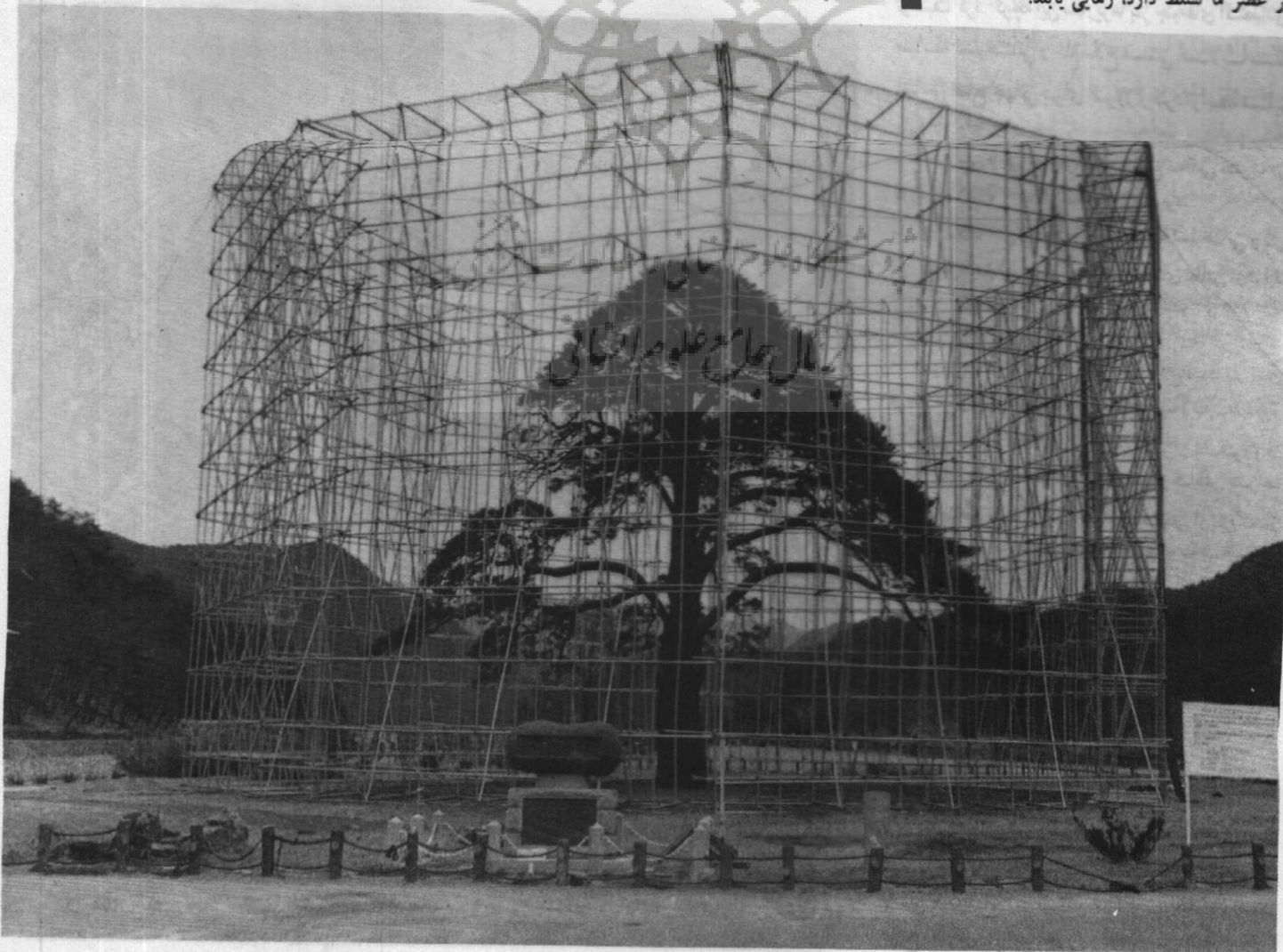


Photo Yonhap © KowCentre, Paris